

تعیین رابطه بین صفات شخصیتی و خلاقیت در مدیران مالی

فردین حافظی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی تعیین رابطه بین صفات شخصیتی و خلاقیت در مدیران مالی استان کرمانشاه انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر نوع داده‌ها، کمی؛ از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی (زمینه‌یابی) است. جامعه آماری شامل مدیران مالی ۲۰۰ نفر می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی از آزمون سیاهه پنج عامل بزرگ شخصیت (BFI) و برای اندازه‌گیری سطح خلاقیت از آزمون رندسیپ استفاده شده است. با استفاده از داده‌های بدست آمده روابط بین متغیرهای مورد نظر بررسی و در نهایت از طریق رابطه معناداری و نمودارهای تهیه شده نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که این نتایج نشان از وجود رابطه معناداری بین صفات شخصیتی برون‌گرایی (E)، توافق‌پذیری (A)، وجدانی بودن (C) و گشودگی به تجربه (O)، با خلاقیت دارد، اما بین صفت شخصیت روان‌رنجوری (N)، با خلاقیت رابطه معناداری مشاهده نشد. در مجموع می‌توان گفت که رابطه صفات شخصیت با خلاقیت و تفاوت سطوح خلاقیت و عوامل به ویژگی‌های تکلیف، مرحله انجام تکلیف و نوع فعالیت مرتبط با حل مسئله و خلاقیت مستلزم آن مرتبط است.

واژگان کلیدی: صفات شخصیتی، خلاقیت، مدیران مالی.

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه

پایدار پاسخ آدمی به موقعیت‌ها را تبیین می‌کند، بیان نمود (Murphy & shofer, 1993: 220). توصیف شخصیت یک فرد تقریباً همیشه به معنای کاهش دادن دامنه وسیعی از ویژگی‌های رفتاری به مجموعه بسیار محدودی از صفات است که می‌توان در قالب کلام بیان کرد از اینرو روشن به نظر می‌رسد که در شخصیت خصوصیتی نهفته است، که در اعمال افراد نمایان یا منعکس می‌شود. استنباط‌های شما درباره شخصیت افراد تا حدودی به آنچه که آنها در زمانهای مختلف انجام می‌دهند مبتنی است. شخصیت تا حدودی نیز، موضوعی است در این مورد که افراد کاری را چگونه انجام می‌دهند (اس-کارور، ۲۰۰۸: ۱۲۵). خلاقیت، ضرورت استمرار زندگی فعال به شمار می‌رود انسان برای نشاط و پویایی نیاز به خلاقیت و ابتکار دارد تا هم انگیزه تنوع‌طلبی خود را ارضا کند و هم زمینه شکوفایی استعدادهای خویش را فراهم سازد، به رغم اهمیت کاربردی خلاقیت، ماهیت چند بعدی آن، تعریف و اندازه‌گیری این سازه را با مشکل مواجه ساخته است (آماییل، ۱۹۹۶: ۵۴؛ Runco, 1986: 46). خلاقیت، استعداد و قابلیت انسان در تولید اثرهای ابتکاری، نوآورانه و سودبخش است (Sternberg & Lubart, 1999: 78). با این حال، می‌توان گفت خلاقیت بیشتر در ارتباط با مفاهیم تازگی و سودمندی بیان شده است. نو و مفید بودن یک ایده یا محصول به عنوان یک ویژگی اصلی خلاقیت پذیرفته شده است (Batey & Furnham, 2006: 132). براساس نظریه صفات شخصیت، جنبه‌های مهم رفتار و تجارب آدمی را می‌توان با تعداد محدودی از صفات توصیف کرد. هر یک از این صفات در جامعه توزیع بهنجار

نیاز به مدیریت و رهبری در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی محسوس و حیاتی است. مدیران کمیاب‌ترین و همچنین با ارزش‌ترین سرمایه‌های سازمان‌ها و عوامل اصلی و تعیین کننده جامعه هستند که نقش بنیادی و حیاتی در رشد و شکوفایی آن دارند. مدیران شایسته و آگاه، توانایی آن را دارند که با بهره‌گیری از توانایی‌های درونی، دانش کارشناسی و تجربه‌های شغلی، هدف‌های سازمان را با بکارگیری کمترین منابع به گونه‌ای برتر تحقق بخشند و اثربخشی و کارایی سازمان را بالا ببرند. مدیران برای اینکه از عهده انجام وظایف محوله برآیند به صفات شخصیتی خاص نیاز دارند. هوش و خلاقیت مدیر، صفتی است که اغلب از آنها نام برده می‌شود. در حقیقت در یک مقوله سازمانی، شخصیت مدیر جدا از موقعیت‌هایی که برای سازمان فراهم می‌کند، تعریف نمی‌شود. شخصیت برای طبقه‌بندی ویژگی‌های افراد از نظر رفتار می‌باشد. ویژگی‌های شخصیتی به عنوان مجموعه سازمان‌یافته ثابت و پایدار در افراد می‌باشد و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً که بر روی هم، یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌سازد. شخصیت سازه‌ای پیچیده است که تا کنون توافق در رابطه با ساختار آن به دست نیامده است (اتکینسون، ۱۳۸۳: ۱۲۵). در بحث شخصیت دو دیدگاه مهم وجود دارد دیدگاه موقعیت‌گرا که شکل‌گیری شخصیت را به عوامل موقعیتی منسوب می‌داند و دیدگاه صفت‌گرا که در آن شخصیت آدمی به عنوان درونی و وراثتی نسبت داده می‌شود، با تلفیق این دو دیدگاه می‌توان شخصیت را به صورت مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و صفات که الگوهای نسبتاً



۵- با وجدان بودن (C)، این عامل با کنترل تکانه‌ها و خویشتنداری، با اراده و مصمم بودن، برنامه‌ریزی در کارها و گرایش به موفقیت ارتباط دارد. خرده مقیاس‌های این عامل عبارت‌اند از: شایستگی و کفایت، نظم و ترتیب، وظیفه-شناسی، تلاش برای موفقیت، خویشتنداری یا خودنظم‌دهی و دوراندیشی و احتیاط در تصمیم‌گیری (Costa & McCrae, 1992: 182).

تاکنون نظریه‌های متعدد در مورد خلاقیت مطرح شده‌اند و براساس توافق کلی، فرایند خلاقیت عبارت است از توانایی استخراج افکار و تجربه‌های گذشته و ترکیب آنها به شیوه‌های بدیع است (Gibson & Park, 2009: 169). گیلفورد معتقد است که تفکر خلاق مستلزم تفکر واگرا است که بر سیالی، انعطاف‌پذیری، اصالت و بسط تأکید دارد. افزون بر این، نیازمند حساسیت نسبت به مسئله و توانایی تعریف مجدد آن، شائل انتقال‌های فکری، تفسیر مجدد و رهایی از تثبیت کنش‌وری به منظور هدایت راه حل‌های منحصر به فرد هم هست. اما از آنجا که خلاقیت به شیوه‌های متفاوت بیان می‌شود آن را به صورت یک نشانگان یا مجموعه‌ای در نظر می‌گیرند که متأثر از عوامل مختلف نظیر شخصیت، آرایش ژنتیکی، محیط‌های اجتماعی، عوامل زیست‌شناختی و فرهنگ است (Torrance, 1988: 43). استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) هم معتقد به یک الگوی سرمایه‌گذاری هستند که در آن که خلاقیت در آن دارای شش نوع منبع است: هوش، دانش، سبک‌شناختی، انگیزش، شخصیت و بافت محیطی. مطالعات فراتحلیلی نشان داده‌اند که روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و گشودگی ارتباط مثبتی با خلاقیت دارند، در

دارد. برای مثال، از نظر صفت برون‌گرایی بیشتر مردم در حد متوسط و عده‌ای کمتر در دو حد انتهایی این صفت قرار می‌گیرند. در سال‌های اخیر، این نظریه بر اساس الگوی پنج عاملی شخصیت تبیین می‌شود. براساس این الگو، شخصیت انسان را می‌توان به وسیله پنج عامل بزرگ تبیین کرد (کوپر، ۱۳۷۹: ۴۷). هر یک از این پنج عامل یا پنج بعد از شش صفت یا عاملی فرعی تشکیل شده است، این عوامل و زیر مجموعه آنها به شرح زیر است:

۱- روان‌نژندگرایی (N)، که با ثبات هیجانی و سازگاری رابطه دارد و صفات زیر مجموعه آن اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، کمرویی، تکانشگری و آسیب‌پذیری است.

۲- برون‌گرایی (E)، که با گرایش به مردم‌آمیزی، فعال بودن، گرایش به شادمانی و خطرجویی ارتباط دارد و صفات زیر مجموعه آن عبارت است از: گرمی و صمیمیت، مردم-آمیزی یا گروه‌گرایی، جرأت، فعال بودن، هیجان‌خواهی، هیجان‌های مثبت با اشتیاق.

۳- انعطاف‌پذیری (O)، که با ویژگی‌هایی مانند باز بودن نسبت به تجارب، غنای تخیل، کنجکاوی نسبت به جهان درونی و بیرونی خود، آزاداندیشی و عدم سنت‌گرایی ارتباط دارد و از صفات زیر تشکیل یافته است: تخیل، زیبایی‌شناسی، احساسات و هیجانی بودن اعمال و علائق گسترده اندیشه‌ها و ارزش‌ها.

۴- توافق‌پذیری یا دلپذیر بودن (A)، دلپذیری با گرایش‌های میان‌فردی و محبوبیت در گروه ارتباط دارد. زیر مجموعه این عامل عبارت است از: اعتماد، رک‌گویی، نوع دوستی، فروتنی، هم‌نوايي یا همراهی، نرم‌خویی یا دل‌رحمی.

حالی که توافق‌پذیری و وجدانی بودن به طور منفی با خلاقیت مرتبط هستند (Feist, 1998: 350). این پژوهش با هدف بررسی آنکه در مدیران، خلاقیت با چه صفات شخصیتی در ارتباط است که بر اساس آن بتوان به پیش‌بینی خلاقیت دست زد، انجام گرفته است.

اهمیت پژوهش

از پدیده‌های وجودی انسان این است که افرادش با هم تفاوت‌هایی دارند و می‌توان وجود همین تفاوت‌ها را یکی از علت‌هایی دانست که مطالعه شخصیت را ضروری می‌نماید. در همین زمانهای اخیر تفاوت‌های فردی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است زیرا این واقعیت به تجربه ثابت شده است که برای انجام دادن هر کاری استعداد و آمادگی ویژه‌ای لازم است. خلاقیت کلیدی‌ترین مسئله در جامعه ما و تمام جوامع در حال توسعه است که اگر به درستی با آن برخورد شود و زمینه‌های آن نیز فراهم شود بسیاری از مشکلات آنها حل خواهد شد. صاحب‌نظران معتقدند با ورود به هزاره سوم ضروری است مردم مهارت‌هایی را آموزش ببینند که از آنها می‌توان به خلاقیت و برقراری ارتباط مؤثر اشاره کرد به گونه‌ای که انسانها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره‌گیری از خرد جمعی و زایش افکار نو مشکلات را از میان بردارند (مرکز توسعه کارآفرینی، ۱۳۸۶). در سنجش شخصیت به این مطلب که جهان در چشم شخص چگونه جلوه‌گر می‌شود و او جهان شخصی خود را چگونه ادراک می‌کند تأکید می‌شود اصطلاح‌هایی مانند روان‌رنجوری، روان‌پریشی، خودپنداره، خصومت، پرخاشگری، نگرش نسبت به قدرت و مانند اینها

به ادراک‌ها و واکنش‌های درونی شخص به جهان بیرون اطلاق می‌شود بر این اساس گفته می‌شود که بحر آنها سازگاری بیشتری به ادراک فرد از رویدادها بستگی دارد تا به خود رویدادها. به واسطه اهمیت نقش عوامل هم‌آیند فطری در حل مسئله خلاقیت، در طی ۵۰ سال اخیر، پژوهش‌های متعددی کوشش کرده‌اند تا رگه‌ها و نیمرخ‌های شخصیتی افراد بسیار خلاق را از افراد دارای خلاقیت کم، متمایز کنند (Kelly, 2006: 299). همچنین به واسطه وجود تفاوت‌های فردی تغییرپذیری‌های شدید در خلاقیت (Torrance, Ibid: 69)، حوزه شخصیت- خلاقیت مورد توجه خاص بسیاری از پژوهشگران بوده است. چرا که تفاوت‌های فردی بیانگر ابعادی هستند که کنش‌وری افراد را از یکدیگر متمایز می‌کنند (Runco, Ibid: 48).

فرضیات پژوهش

بین صفت شخصیتی برون‌گرایی با خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد.
بین صفت شخصیتی توافق‌پذیری با خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد.
بین صفت شخصیتی وجدانی بودن با خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد.
بین صفت شخصیتی گشودگی به تجربه با خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد.
بین صفت شخصیتی روان‌رنجوری با خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد.



ادبیات و پیشینه تحقیق

تعریف کردن شخصیت مانند اکثر مفاهیمی که به ویژگی‌های انسان مربوط می‌شود، کار آسانی نیست. زیرا مفهومی را که در این اصطلاح در زبان عامیانه پیدا کرده است با مفهومی که در روانشناسی برای آن قائل شده‌اند، تفاوت‌های زیادی دارد (گنجی، ۱۳۸۱: ۶۷). در روانشناسی جدید شخصیت را اینگونه تعریف می‌کنند: «سازمان پویای جنبه‌های شناختی (یعنی توانایی‌های ذهنی)، عاطفی، غیرشناختی (یعنی ارادی و غیرارادی)، فیزیولوژیک و شکل ظاهری غیرفرد». «این تعریف نشان می‌دهد که در تکوین شخصیت عوامل زیستی و اجتماعی نقش دارند (همان، ۷۰). شخصیت به جنبه‌های نسبتاً ثابت و بادوام یک فرد که او را از دیگران متمایز می‌کند و در عین حال پایه‌ای برای پیش‌بینی در مورد رفتار آینده اطلاق می‌گردد (شولتر، ۳۰: ۱۳۷۸).

شخصیت از واژه لاتین پرسونا^۱ گرفته شده است که به نقابی اشاره دارد که هنر پیشه‌ها به صورت خود می‌زنند، پی بردن به اینکه چگونه پرسونا به ظاهر بیرونی اشاره دارد، یعنی چهره علتی که به اطرافیانمان نشان می‌دهیم، آسان است. بنابراین بر اساس ریشه این کلمه، ممکن است نتیجه بگیریم که شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده ما اشاره دارد. به جنبه‌هایی که دیگران می‌توانند آنها را ببینند، پس شخصیت ما در قالب تأثیری که بر دیگران می‌گذاریم، یعنی آنچه که به نظر می‌رسد باشیم تعریف می‌شود. تعریفی از شخصیت در یکی از واژه‌های استاندارد

با این استدلال موافق است. این تعریف می‌گوید: شخصیت جنبه آشکار منش فرد به گونه‌ای که بر دیگران اثر می‌گذارد (شکتون و فلچر، ۱۹۹۷: ۲۰۵).

سنجیدن شخصیت حوزه اصلی کاربرد روانشناسی در مسائل مورد علاقه دنیای واقعی است روان‌شناسان بالینی می‌کوشند به وسیله سنجیدن شخصیت مراجعان خود و با فرق گذاری بین رفتارها و احساسات بهنجار و نابهنجار نشانه‌های آنها را درک کنند. بنابر این تنها از طریق ارزیابی مناسب شخصیت است که متخصصان می‌توانند بهترین روش درمانی را برگزینند. روان‌شناسان آموزشگاهی شخصیت دانش‌آموزانی را که برای درمان به آنها ارجاع داده می‌شود ارزیابی میکنند تا علل مشکلات سازگاری یا یادگیری را کشف کنند. روانشناسان صنعتی-سازمانی شخصیت را برای انتخاب بهترین داوطلب برای شغل به خصوصی ارزیابی می‌کنند، روان‌شناسان پژوهشی شخصیت آزمودنی‌های آزمایشگاهی خود را در تلاش برای تبیین رفتار آنها در یک آزمایش یا ربط دادن صفات شخصیت آنها به اندازه‌گیری‌های دیگر ارزیابی می‌کنند. شیوه‌های سنجش از نظر درجه عینیت یا ذهنیت با یکدیگر فرق می‌کند. برخی از شیوه‌ها کاملاً ذهنی هستند و از این رو در معرض سوگیری قرار دارند. امکان دارد نتایج به دست آمده از شیوه‌های ذهنی توسط ویژگی‌های شخصیت فردی که ارزیابی را انجام می‌دهد تعریف شود (شولتر، ۱۹۹۹: ۳۵۰). آلپورت صفات شخصیت را گرایش‌های پاسخ دادن به شیوه یکسان یا مشابه به انواع مختلف محرک‌ها می‌دانست. بنابر

^۱Persona

مشاهده است. خلاقیت به نظر اکثر محققان و اندیشمندان در تمام افراد وجود دارد می‌توان آن را با تشویق و ترغیب به ظهور رسانید؛ انسانها موجوداتی هستند که توان انجام فعالیت‌های ذهنی و هوشی در سطح بالا را دارند. خلاقیت یا آفرینندگی به عنوان یکی از فعالیت‌های ذهنی آدمی در یکی دو دهه اخیر در محافل پرورشی و نشریات و کتب پرورشی و روانشناسی جایگاه مهمی کسب کرده است، بارون و هینگتون (۱۹۸۱)، در اینباره اظهار داشته‌اند. در سال ۱۹۵۰ گیلفرد اظهار داشت که تا آن زمان حدود صد هزار تحقیق در زمینه روانشناسی به چاپ رسیده است که کمتر از ۲۰۰ پژوهش مربوط به خلاقیت بوده است اما از آن زمان تا کنون به دلیل نفوذ انقلاب شناختی در روانشناسی در مطالعات مربوط به خلاقیت افزایش چشمگیری دیده می‌شود، در حقیقت می‌توان خلاقیت را به عنوان هرگونه فرایند تفکری تعریف کرده که یک مسئله را به طرق مفید و بدیع حل کند.

یک متفکر خلاق سعی می‌کند که چیز جدیدی را ابداع کند، یک نقاش خلاق سعی می‌کند که ایده‌ها و احساسات هیجانی را به شکلی بیان کند که برای بیننده جدید باشد و او را تحت تأثیر قرار دهد یک نویسنده یا شاعر خلاق سعی می‌کند که همین کار را برای خوانندگان انجام دهد، دانشمندان خلاق در مورد اکتشافات خود و دیگران می‌اندیشند و سعی می‌کنند روش‌های جدیدی را برای مطالعه طبیعت ابداع کنند و اصولی را بیان کنند که بر گیرنده پدیده‌ها باشد. راه حل‌های خلاق برخلاف راه حل‌های معمولی راه حل‌هایی هستند که تاکنون کسی آنها را بیان نکرده و از آنها استفاده ننموده است. یکی از نتایج تفکر

این، صفات شیوه‌های ثابت و پایدار واکنش کردن به جنبه‌های محرک محیط است. آلپورت ویژگی‌های صفت را به شرح زیر خلاصه کرد.

۱- صفات شخصیت واقعی هستند و در هر یک از ما وجود دارند. آنها ساخت‌های نظری یا بر چسب‌های که برای توجیح کردن رفتار ما ساخته شده باشند نیستند.

۲- صفات رفتار را تعیین می‌کنند و یا علت آنها هستند. آنها تنها در پاسخ به محرک‌های خاص ظاهر نمی‌شوند آنها ما را برای یافتن محرک‌های مناسب بر می‌انگیزند و برای تولید کردن رفتار با محیط تعامل می‌کنند.

۳- صفات را می‌توان به صورت تجربی اثبات کرد. با مشاهده نمودن رفتار در طول زمان، می‌توانیم شواهد وجود صفات را در پیوستگی و ثبات پاسخ‌های شخص به محرک یکسان یا مشابه، استنباط کنیم.

۴- صفات به هم مربوط هستند، اگر چه آنها ویژگی‌های متفاوتی را نشان می‌هند، می‌توانند همپوشی داشته باشند. برای مثال پرخاشگری و خصومت، صفات مجزا ولی مربوط به هم هستند و اغلب به طور همزمان در رفتار شخص دیده می‌شود.

۵- صفات با موقعیت تغییر می‌کنند، برای مثال ممکن است شخص در یک موقعیت صفت نظم، و در موقعیت دیگر صفت بی‌نظمی را نشان دهد.

آلپورت ابتدا دو تیپ صفات دنیای پیشرفته امروز برای پاسخگویی به نیازهای محیطی و داخلی فکر خلاق و وجود افراد خلاق در سازمان‌ها ضروری است. خلاقیت ماهیتی است که به چشم دیده نمی‌شود، اما نتیجه آن به صورت راه حل‌های نو، اندیشه‌های جدید و محصولات تازه قابل



موجود، به عبارت دیگر فرد خلاق تمایل دارد مسائل مختلف را به طرق متفاوت حل کند ولو اینکه ظاهراً بیشتر از یک راه حل برای آن مسائل وجود نداشته باشد (Ibid, 205). شاید قدری شگفت‌انگیز باشد اما زندگی بدون خلاقیت مشکل و طاقت‌فرسا است. اگر از بلندترین مکان زندگی کنونی به گذشته، نگاهی بیاندازیم در خواهیم یافت که زندگی کنونی چقدر از نظر امکانات و تجهیزات با گذشته تفاوت کرده است. بنابراین می‌توان ملاحظه نمود که خلاقیت به عنوان استعدادی قدرتمند در نهاد آدمی از همان دوران کودکی وجود دارد. به قول راجرز آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود، با این حال خلاقیت در مراحل ابتدایی زندگی تکامل یافته نیست و به همین دلیل نیاز به توجه، هدایت و ترتیب دارد. توجه به خلاقیت امروزه به ویژه در سازمان‌ها بسیار بیشتر از گذشته شده است. تصور دلیل این علاقه زیاد به خلاقیت کار دشواری نیست. در فرهنگ سریعاً در حال تغییر که زمینه‌های مطالعاتی جدید به وجود می‌آیند و در همین حال سایر مشاغل از بین می‌روند. آماده‌سازی جوانان در مورد نقش آنها در چنین جامعه پویایی پیچیده‌تر می‌شود. اگر تنها حقایق خاصی را به آنها بیاموزیم. با این مسأله بسیار واقعی روبرو می‌شویم که تا زمانی که کودک ۱۲ سال را در یک برنامه آموزشی بگذارند آن حقایق مورد نیاز نیستند یا مشاغلی که به خاطر آن آماده می‌شوند دیگر وجود ندارد. این وضعیت را یکی از منتقدان سرسخت تعلیم و تربیت به نام سلیرمن به خوبی چنین بیان کرده است (Gardner & Hatch, 1989):
 197). جامعه برای پیشرفت و توسعه نیازمند است که چهره دیگر از آینده ترسیم کنند و به بزرگسالانی نیاز دارد

خلاق ممکن است این باشد که راه و روش جدید بودن آن است به نظر می‌رسد که قسمت زیادی از تفکر خلاق به صورت ناخودآگاه انجام می‌پذیرد و فرد ناخودآگاهانه به سازماندهی کردن پدیده‌ها می‌پردازد، پیشرفت متفکر خلاق در ابتدا بسیار کند و آهسته است، بعدها به صورت ناگهانی سریعاً پیشرفت می‌کند و یک فرد جدید می‌جوشد و به هوشیاری می‌آید. به نظر بعضی از روانشناسان «خلاقیت ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می‌سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود» (Sternberg, 1989: 202).

در بحث خلاقیت تأکید بر نفس تولید بیشتر از نتیجه حاصل شده است، چرا که خلاقیت یک فرایند است نه یک تولید. در هر حال باید در مطالعه در مورد خلاقیت به دو نکته بسیار مهم توجه داشت؛ اول اینکه خلاقیت می‌تواند خلق اشکال یا صورت‌های جدیدی از ایده‌ها یا تولیدات کهنه باشد، در این صورت عمدتاً فکرها و ایده‌های گذشته اساس خلاقیت‌های تازه است. دوم اینکه خلاقیت اموری است انحصاری و حاصل تلاش فردی و لزوماً یک موقعیت یا مسئله عمومی نیست، لذا فردی ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچگونه سابقه ذهنی از آن نداشته باشد اگر چه ممکن است آن چیز به صورت‌های مشابه یا کاملاً یکسان قبلاً به توسط شخص دیگری و در موقعیت خاص خلق باشد. خلاقیت مستلزم بهره‌گیری از نوع خاصی از جریان فکری است چیزی که گیلفرد آن را تفکر واگرا نامید. تفکر واگرا تفکری است متفاوت از جریان‌های فکری

که حامی و سازنده باشند، دستاورد چنین موقعیتی ابتکار و سازندگی است. نقش و اهمیت خلاقیت و نوآوری را می‌توان از سه جنبه کلی، فردی و سازمانی به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

الف) نقش و اهمیت خلاقیت از جنبه کلی و عمومی

۱- خلاقیت و نوآوری یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین ویژگی‌های خاص انسان است.

۲- مجموعه تمدن انسان محصول خلاقیت‌ها و نوآوری‌های انسان است.

۳- ادامه حیات انسان بدون خلاقیت و نوآوری امکانپذیر نیست.

۴- خلاقیت و نوآوری یکی از اصلی‌ترین اهداف تعلیم و تربیت است.

۵- خلاقیت و نوآوری عامل بهبودی مستمر کیفیت زندگی و افزایش رفاه و آسودگی و رفع مشکلات و موانع است.

۶- خلاقیت و نوآوری موجبات رشد و توسعه اقتصادی، علمی و صنعتی را فراهم می‌سازد.

۷- همه سازمان‌ها و کارخانه‌ها و کلیه تولیدات و محصولات و خدمات حاصل خلاقیت و نوآوری است.

۸- جوامع پیشرفته‌تر دارای خلاقیت و نوآوری‌های بیشتری هستند.

ب) نقش و اهمیت خلاقیت از جنبه فردی

۱- خلاقیت و نوآوری عامل رشد و شکوفایی استعدادها و سوق دهنده به سوی خودشکوفایی است.

۲- خلاقیت و نوآوری در رشد و ظهور مهارت‌ها مانند مهارت‌های حل مسأله، خودآگاهی و مهارت‌های هنری، حرکتی، علمی و مکانیکی مؤثر است.

۳- خلاقیت و نوآوری از طریق ایجاد زمینه‌های انعطاف-پذیری ذهنی و رفتاری در توسعه روابط اجتماعی نقش مهمی دارد.

۴- خلاقیت و نوآوری عامل موفقیت‌های فردی، شغلی و اجتماعی است.

۵- خلاقیت و نوآوری زمینه‌های کنجکاو، تلاش و تفکر را نیز فراهم می‌آورد.

۶- خلاقیت و نوآوری باعث ارتقای سطح بهداشت روانی افراد می‌شود.

ج) نقش و اهمیت خلاقیت و نوآوری از جنبه سازمانی

۱- خلاقیت و نوآوری عامل پیدایش سازمان است.

۲- خلاقیت و نوآوری تولیدات و خدمات را توسعه می‌دهد.

۳- خلاقیت و نوآوری عامل افزایش کمیت، تنوع تولیدات و خدمات است.

۴- خلاقیت و نوآوری موجب افزایش کیفیت تولیدات و خدمات و موفقیت در رقابت می‌شود.

۵- خلاقیت و نوآوری انگیزش کاری کارکنان سازمان را افزایش می‌دهد (سام‌خانین، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

خلاقیت به عنوان یکی از صفات شناختی بخشی از شخصیت را تشکیل می‌دهد. در واقع شخصیت مفهومی

کلی‌تر از خلاقیت است اما تأثیر آنها بر هم دیگر دوجانبه است، یعنی هم کمیت و هم کیفیت خلاقیت بر شخصیت

افراد تأثیر گذار است و هم این که سایر صفات شخصیتی می‌تواند بر خلاقیت اثرگذار باشد. بارون به نقل از بودو در

تحقیقاتش راجع به شخصیت علاقه خاصی به توصیف افراد خلاق داشت، محقق مذکور بر مبنای یک آزمون خلاقیت

دو گروه تشکیل داد. یک گروه مرکب از ۲۵ نفر از خلاقیت



انجام گرفت به این نتیجه رسید که گرایش به روان‌نژندی در میان دختران بیش از پسران است و میان عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی، وجدانی بودن و انعطاف‌پذیری با خلاقیت رابطه‌ی مثبت وجود دارد (پاشا شریفی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). پژوهشی که توسط سجادی (۱۳۸۴)، به انجام رسید علاوه بر یافتن رابطه مثبت بین خلاقیت با برون‌گرایی و گشودگی، بین خلاقیت با وجدانی بودن و تجربه نیز رابطه مثبت به دست آمده است، ضمن اینکه بین خلاقیت با توافق‌پذیری و روان‌رنجوری رابطه معناداری مشاهده نشده است. همچنین در پژوهشی که توسط بهرام جوکار و محبوبه البرزی (۱۳۷۸)، که ۲۰۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه رسیدند که بین خلاقیت‌شناختی و خلاقیت هیجانی رابطه مثبت و معنا-داری وجود دارد، و همچنین بین پنج عامل شخصیتی، عوامل گشودگی در تجربه و برون‌گرایی پیش‌بینی کننده مثبت و معناداری خلاقیت هیجانی و خلاقیت‌شناختی بودند. حسن زارع (۱۳۸۹) با هدف تبیین خلاقیت بر اساس رگه‌های شخصیتی، ۲۸۹ دانشجو (۱۲۱ دختر و ۱۶۸ پسر) از دانشکده هنر، تربیت بدنی و فنی مهندسی با روش نمونه-برداري تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان دادند در هر سه گروه خلاقیت با نوروزگرایی همبستگی منفی و با رگه‌های گشودگی، برون‌گردی و وظیفه-شناسی همبستگی مثبت وجود دارد. رابطه مثبت رگه مقبولیت و خلاقیت نیز تنها در گروه تربیت بدنی، معنادار بدست آمد. در پژوهشی که توسط منیر کلانتر قریشی (۱۳۹۱)، برای بررسی رابطه بین صفات شخصیتی با خلاقیت با استفاده از

در پایین‌ترین سطح قرار داشتند تجزیه و تحلیل خصوصیات آزمودنی‌هایی که به وسیله اعضای مؤسسه شخصیت انجام گرفت. این امکان را فراهم کرد که بارون دو گروه را چنین می‌کند. میزان آگاهی افراد خلاق از مسائل و امور زیاد است. این افراد نسبت به مسائل بنیادی علاقه نشان می‌دهند و بالاخره مبتکر با همت، پرانرژی و جسور است. در حالی که افراد گروه دیگر (گروه غیرخلاق) مردمانی هم‌نوا، بی‌حس، لاقید و دارای افکار مبهم و تیره هستند. آنان دارای عقاید قشری و قراردادی می‌باشند. این توصیفات با عقایدی که معمولاً درباره اصالت‌جویی و تخیل سازنده ابراز شده کاملاً تطابق دارد. بارون از آنها به عنوان معیار برای اعتباریابی آزمونی که جهت سنجش اصالت‌جویی به کار رفته استفاده می‌کند او همچنین رابطه مشخصی بین اصالت و روانی کلامی مشاهده می‌کند تا جایی که از خود می‌پرسد آیا ویژگی‌های شخصیت که در گزارش او آمده قبل از اینکه نتیجه کنش اصالت باشد نتیجه کنش هوش نیست؟ بارون بعد از تجزیه و تحلیل همبستگی بین آزمون خلاقیت و یک آزمون هوشی عمومی و به دنبال آن حذف عامل هوش کلامی مشخص‌ترین کیفیات افراد را تشریح می‌کند که عبارتند از: روانی‌عقاید، بدیهی‌کویی، روانی‌کلامی و آنچه که او سهولت ادغام محرک‌های مختلف می‌خواند (سام‌خانیان و خلعتبری، ۱۳۵۸: ۷۸).

پژوهش پاشا شریفی، به منظور بررسی رابطه سطح خلاقیت و پنج عامل بزرگ شخصیتی دبیرستان‌های نظری و پیش-دانشگاهی ۲۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر به طور تصادفی

پپیچیده ناراضی نیستند. این افراد کنجکاو و جستجو گرند، تصورات و تخیلات عالی دارند و علاقمند به کارگیری اصول انتزاعی و مجرد برای حل مسائل.

گلید (۲۰۰۲)، نشان داد که خلاقیت با گشودگی همبستگی مثبت بالا اما با نوروزگرایی همبستگی منفی دارد. کلی (۲۰۰۶)، نیز در مطالعه ارتباط خلاقیت با الگوی پنج عامل نشان داد که خلاقیت با برونگرایی دارای همبستگی مثبت است و معتقد بود از آنجا که افراد دارای

برونگرایی بالا از همراه شدن با دیگران لذت می‌برند، به راحتی دیگران را تحمل می‌کنند و در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتری دارند که این عامل جزئی از خلاقیت محسوب می‌شود. سیلویا (۲۰۰۹)، گشودگی با تمام جنبه‌های خلاقیت همبستگی متوسط تا زیاد دارد. به نظر می‌رسد گشودگی به نسبت دیگر سایر رگه‌های الگوی پنج عاملی ارتباط بسیار قوی با خلاقیت داشته باشد (Silvia, 1987: 82). اما بابل، فیلیس و کولیتز (۱۹۹۳)، نشان دادند گشودگی زیاد همراه با انگیزش درونی برای خلاقیت متخصصان هنرمند لازم است. کارلسون (۲۰۰۲)، معتقد است دیدگاه فاعلی^۱ قوی در افراد بسیار خلاق همراه با گشودگی باعث می‌شود آنها به کار روی پیچیدگی تکلیف هدایت شوند. گریناکر هم معتقد است هنرمندان گرایش زیست‌شناختی به سطوح حساسیت غیرمعمول دارند و این حساسیت در ارتباط تنگاتنگ با گشودگی قرار دارد که در هنرمندان و سایر افراد خلاق مشاهده می‌شود. از نظر آستین میان سبک هنری، همدلی و عاطفی همبستگی

روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۱۲۵ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی انتخاب شدند. نتایج نشان داد که وجدانی بودن، گشودگی به تجربه و توافق‌پذیری با خلاقیت رابطه مستقیم، معنادار و روان رنجورخویی با خلاقیت رابطه معکوس و معنادار دارند. از بین صفات شخصیتی، تنها وجدانی بودن و روان رنجورخویی به طور معنادار توان پیش‌بینی خلاقیت را دارند.

مک کینون (۱۹۶۲) نشان داد مهندسان خلاق جرأت‌ورزی، استقلال، فردیت‌گرایی، عدم‌هماهنگی و خودجوشی بیشتر و اجتماع‌گرایی (به عنوان مثال خود مهارگری و اثربخشی خوب) کمتری نسبت به هم‌مطرازان خود دارند. دوک و هال در یک مطالعه پیگیری (با فاصله بیست و پنج سال) در گروهی از معماران نشان دادند تفاوت نیمرخ خای شخصیتی و خلاقیت همچنان وجود داشت که این بیانگر ثبات همبستگی رگه‌های شخصیتی و خلاقیت است. تحقیقات متعددی درباره خلق و خو و منش افراد خلاق صورت گرفته است و پاره‌ای از بین تحقیقات همبستگی متوسطی بین صفات خاصی از شخصیت و خلاقیت یافته‌اند: از جمله استقلال، خودپیروی، اعتماد به خود و غیرهم‌نوایی به گروه از ویژگی‌های بارز شخصیت افراد خلاق است (Barron & Harrington, 1981: 84). این افراد کمتر تحت تأثیر عقاید دیگران قرار می‌گیرند و خود رهبر هستند، تحمل و انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به تعارضات و امور مبهم دارند و از برخورد با موقعیت‌های نامطمئن و

¹ Grynagr



شد. از اینرو در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، که طبقات را نوع مدیران (ارشد یا میانی) تشکیل می‌دهند استفاده گردید.

ابزار پژوهش

سیاهه پنج عامل بزرگ شخصیت (BFI)^۱

این سیاهه ویژگی اصلی پنج عامل بزرگ شخصیت از طریق عبارات کوتاه اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، احساس نیاز نسبت به اندازه‌گیری مؤلفه‌های اصلی پنج عامل شخصیت (برونگرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، روان‌رنجورخویی، گشودگی نسبت به تجربه) از طریق عبارات کوتاه (گلدن و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۴)، را به ساخت BFI، ترغیب کرد. بر اساس BFI اندازه‌گیری منعطف ابعاد پنج‌گانه شخصیت را وقتی اندازه‌گیری متمایز وجوه فردی مدنظر نیست، فراهم می‌کند. سوالات این سیاهه با نظرخواهی از متخصصان روانشناسی و تحلیل‌های تجربی برای دستیابی به ویژگی‌های اصلی (پنج عامل بزرگ شخصیت) انتخاب شدند (Jones, 1972: 147). نتایج تحلیلی عاملی تأییدی بر روی نسخه فارسی ۴۴ سوالی BFI در مطالعه گراوند، شکری، افضل‌ی و طولابی با هدف بررسی ساختار عاملی BFI و ویژگی‌های روان‌سنجی آن نشان داد که ساختار پنج عاملی BFI برازش قابل‌قبولی با داده‌ها دارد. شکری و همکاران (۲۰۰۸)، ضرایب پایایی عامل‌های روان‌رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی نسبت به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را به ترتیب ۰.۷۰،

وجود دارد. فیست با فراتحلیلی کمی پژوهش‌های تجربی خلاقیت و شخصیت به مقایسه رگه‌های شخصیتی دانشمندان و غیردانشمندان، دانشمندان دارای خلاقیت بیشتر و دانشمندان دارای خلاقیت کمتر و همین‌طور هنرمندان و غیرهنرمندان پرداخت. او بر اساس الگوی پنج عاملی نشان داد افراد خلاق گشودگی، حرمت خود، پذیرش خود بالاتری دارند. اما سنت‌گرایی، رفتارهای برانگیخته، جاه‌طلبی، تمایل کشاننده‌ای غلبه و خصومت کمتری در آنها مشاهده می‌شود. همچنین فیست (۱۹۹۸)، نشان داد دانشمندان نسبت به هنرمندان دارای بی‌ثباتی هیجانی، اجتماعی‌پذیری کمتری در پذیرش هنجارهای گروهی هستند، اما وظیفه‌شناسی آنها بیشتر است. او با مقیاس فعالیت رگه‌های شخصیتی دانشمندان دارای خلاقیت بالا و دانشمندان دارای خلاقیت پایین نشان داد در حوزه خاص فعالیت، سطوح بالای خلاقیت با رگه‌های غلبه، حرمت خود و گشودگی همبستگی دارند.

روش پژوهش

این تحقیق با هدف بررسی ارتباط بین صفات شخصیتی و خلاقیت در بین مدیران مالی استان کرمانشاه انجام شده است. در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه مدیران مالی (مدیران ارشد و میانی) استان کرمانشاه که حجم کامل آنها برابر $N=200$ نفر (۵۰ نفر مدیران ارشد و ۱۵۰ نفر مدیران میانی) می‌باشد. با توجه به حجم جامعه، به منظور برآورد حجم نمونه انتخاب شده از جدول کوکران استفاده

¹ Big five inventory

درصد به دست آورده‌اند. محقق نیز به جهت زیاد بودن سوالات این پرسشنامه آن را به ۳۰ سوال کاهش و از طریق مطالعه آزمایشی بین ۳۰ نفر از کارکنان سازمان مورد آزمون قرار داد. در نهایت با همفکری اساتید و متخصصان مدیریت سوالات پرسشنامه به لحاظ روایی صوری و محتوای مناسب گزارش شد و همچنین پایای این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۸۱ درصد به دست آمد که از اعتبار بالایی برخوردار می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای پاسخ گویی به پرسشنامه‌های حاضر داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم افزار SPSS-v20 از دو جنبه توصیفی استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بعد توصیفی شاخص‌های آماری که محاسبه شدند عبارتند از میانگین، نما، انحراف معیار، فراوانی و همبستگی پیرسون استفاده شده است.

بین صفت شخصیت برون‌گرایی با خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی فرضیه پژوهشی زیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم. جدول ۱ میزان ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیتی برون‌گرایی با خلاقیت را نشان داده است:

جدول (۱) آزمون ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت برون‌گرایی با خلاقیت

ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
-.۴۹۶	۰/۰۳۷	۱۰۰

۷۷، ۵۶، ۸۲ درصد گزارش کرده‌اند. آنها ضرایب آلفای کرونباخ را برای عوامل وظیفه‌شناسی ۸۵ درصد؛ روان-رنجورخویی ۸۴ درصد؛ گشودگی نسبت به تجربه ۷۶ درصد؛ برون‌گرایی ۷۲ درصد؛ و توافق‌پذیری ۶۰ درصد گزارش کرده‌اند. نتایج پژوهش شکری و همکاران (۲۰۰۸) با تأکید بر ساختار عاملی ثابت و کارآیی بالقوه BFI نشان دادند که این فهرست می‌تواند به عنوان یک ابزار معتبر برای اندازه‌گیری صفات شخصیت در دانشجویان ایرانی بکار برده شود. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های درون‌گرایی ۶۸ درصد، توافق‌پذیری ۷۱ درصد، وظیفه‌شناسی ۶۳ درصد، روان‌رنجورخویی ۷۹ درصد، و برای گشودگی نسبت به تجربه ۷۷ درصد به دست آمد.

پرسشنامه خلاقیت رندسیپ

این پرسشنامه توسط «رندسیپ» ابداع و در سال ۱۹۷۹ در مجله کارکنان به چاپ رسیده است. ایوانسویچ و واتسون در کتاب مدیریت و رفتار سازمانی در فصلی به نام «تصمیم‌گیری» پرسشنامه خلاقیت رندسیپ را به عنوان ابزاری کامل برای سنجش خلاقیت کارکنان در سازمان‌های آموزشی گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه شامل ۵۰ سوال بود که هر سوال به صورت مقیاس پنج ارزشی لیکریت درجه‌بندی شده است.

روایی و پایایی

قهرمان تبریزی و همکاران (۱۳۸۴)، طی یک دوره مقدماتی برای آزمون روایی آن از ضریب بازآزمایی استفاده کرده‌اند که ۹۲ درصد به دست آمده است، و برای ضریب پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که ۷۲



دارد. پس فرضیه مربوطه یعنی بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳ میزان ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت را نشان داده است:

جدول ۳ ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت

ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
۰/۱۵۳	۰/۰۳۴	۱۰۰

همانطور که از جدول ۳ نمایان است، ضریب همبستگی کمتر از یک و مثبت است (۰/۱۶۳) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت رابطه مستقیم وجود دارد. و همچنین با توجه به سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۳۴ که از ۰/۰۵ کوچکتر است ($P < 0/05$) می‌توان به این نتیجه رسید که بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. پس فرضیه مربوطه یعنی بین صفت شخصیت وجدانی بودن با خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴ میزان ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت را نشان داده است:

همانطور که از جدول ۱ نمایان است، ضریب همبستگی کمتر از یک و منفی است (۰/۴۹۶-) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معکوس و معناداری بین شخصیت برون‌گرایی با خلاقیت وجود دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری بدست آمده ($P < 0/05$)، می‌توان به این نتیجه رسید که در سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطه معناداری بین صفت شخصیت برون‌گرایی و خلاقیت وجود دارد. بر این اساس فرضیه پژوهش رد نمی‌شود. و بین صفت شخصیت برون‌گرایی با خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۲ میزان ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت را نشان داده است:

جدول ۲ ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت

ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
۰/۳۲۱	۰/۰۰۸	۱۰۰

همان‌طور که از جدول ۲ نمایان است، ضریب همبستگی کمتر از یک و مثبت است (۰/۳۲۱) یعنی رابطه مستقیمی بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت وجود دارد. و همچنین با توجه به سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۸ که از ۰/۰۵ کوچکتر است ($P < 0/05$) می‌توان به این نتیجه رسید که بین صفت شخصیت توافق‌پذیری با خلاقیت رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد.



جدول ۴) ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت

ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
۰/۵۶۹	۰/۰۰۲	۱۰۰

معناداری بدست آمده ۰/۱۲۴ که از ۰/۰۵ بزرگتر است ($P < 0/05$) می‌توان به این نتیجه رسید که بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت رابطه معناداری وجود ندارد. پس فرضیه مربوطه یعنی بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت رابطه وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

جدول ۶) نتایج آزمون فریدمن درباره رتبه‌بندی صفات شخصیتی در ارتباط با خلاقیت

میانگین رتبه	مولفه
۴/۱۲	صفت شخصیتی گشودگی به تجربه
۳/۹۴	صفت شخصیتی توافقی‌پذیری
۳/۶۵	صفت شخصیتی وجدانی بودن
۳/۱۵	صفت شخصیتی برون‌گرایی
۲/۷۸	صفت شخصیتی روان‌رنجوری

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فریدمن درباره رتبه‌بندی صفات شخصیتی مرتبط با خلاقیت در جدول ۶. نمایان است، از دیدگاه مدیران، صفت شخصیتی گشودگی به تجربه بیشترین تأثیر و روان‌رنجوری کمترین رابطه را با خلاقیت دارد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی آنکه در مدیران خلاقیت با چه صفات شخصیتی در ارتباط است که بر اساس آن بتوان به پیش‌بینی خلاقیت دست زد، انجام شده است. رابطه مستقیم خلاقیت و برون‌گرایی یافته‌ای بود که در این پژوهش مشاهده شد. این یافته در برخی از پژوهش‌ها نیز تکرار شده است، اما در برخی دیگر خلاف آن به اثبات رسیده است. درون‌گرایی بخشی از تفکر قالبی خلاقیت است و به باور فیست و بارون (۲۰۰۳)، درون‌گرایی بخشی از

همانطور که از جدول ۴ نمایان است، ضریب همبستگی کمتر از یک و مثبت است (۰/۵۶۹) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت وجود دارد. و همچنین با توجه به سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۲ که از ۰/۰۵ کوچکتر است ($P < 0/05$) می‌توان به این نتیجه رسید که بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد. پس فرضیه مربوطه یعنی بین صفت شخصیت گشودگی به تجربه با خلاقیت رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵ میزان ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت را نشان داده است:

جدول ۵) ضریب همبستگی رابطه بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت

ضریب همبستگی	معناداری	تعداد
۰/۲۱۳	۰/۱۲۴	۱۰۰

همانطور که از جدول ۵ نمایان است، ضریب همبستگی کمتر از یک و مثبت است (۰/۲۱۳) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم بین صفت شخصیت روان‌رنجوری با خلاقیت وجود دارد. و همچنین با توجه به سطح



تجربه‌ای متفاوت از اموری است که تا کنون با آنها مواجه بوده‌ایم، بر این اساس می‌توان انتظار داشت که میل به تجربه کردن ظرفیت خلاقیت را افزایش دهد. لنگر (۱۹۸۹) معتقد است افراد خلاق نسبت به اطلاعات جدید گشودگی را حفظ می‌کنند و گشودگی همانند انعطاف-پذیری با خلاقیت در ارتباط است. رابطه معنادار صفت توافق‌پذیری با خلاقیت نیز در این پژوهش به دست آمد. صفت توافق‌پذیری تا حد زیادی در کنار دیگران معنا پیدا می‌کند زیرا با رفتارهایی مانند اعتماد، درستی، نودوستی، اجابت، فروتنی و مهربانی در موقعیت‌های اجتماعی قابل چشم-پوشی نیست. همسو با پژوهش گیلد (۲۰۰۲)، بین صفت روان‌رنجوری یا نوروگرایی با خلاقیت رابطه منفی به دست آمد. برای تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجا که روان‌رنجوری شامل سازش نایافتگی روان‌شناختی و داشتن تجربه‌های زیادی از هیجانات ناخوشایند و اضطراب است، می‌تواند باعث سرکوب فعالیت بادامه شود (دبونو، ۱۳۸۶: ۸۴). فعالیت بهینه بادامه برای تحمل تکلیف و لذت از انزوا که از عوامل اساسی برای بروز خلاقیت محسوب می‌شوند، حائز اهمیت است. همچنین هیجان‌های ناخوشایند و اضطراب با افزایش ترشح اپی نفرین در ارتباط هستند که به اعتقاد هیلمان (۲۰۰۵)، افزایش اپی نفرین متضاد با نوآوری خلاقیت است.

نتیجه گیری

بنابراین می‌توان گفت برونگرایی به مدیران این امکان را می‌دهد که در اطرافشان به جست‌وجو بپردازند و محرک‌های مختلف را ببینند و دریافت کنند، همچنین وجدانی

نیمرخ شخصیت‌های خلاق است. به دلیل این نتایج متناقض، برخی پژوهشگران رابطه برونگرایی و خلاقیت را رابطه‌ای پیچیده توصیف کرده‌اند (سیلویا و دیگران، ۲۰۰۹). جنبه جرأت‌ورزانه برونگرایی اقدام خلاقانه را پیش‌بینی می‌کند اما جنبه جامعه‌پذیری و تمایل به معاشرت با دیگران برونگرایی و خلاقیت را پیش‌بینی نمی‌کند. کلی (۲۰۰۶)، نیز نشان داد خلاقیت با برونگرایی از آن جهت دارای همبستگی مثبت است که افراد دارای برونگرایی بالا از همراه شدن با دیگران لذت می‌برند، به راحتی دیگران را تحمل می‌کنند و در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتری دارند که این جزئی از فرایند خلاقیت محسوب می‌شود.

رابطه مثبت وجدانی بودن یکی از ویژگی‌های افراد خلاق است. افراد خلاق اغلب به میزان زیادی دارای انگیزش بوده و روی کار خود پافشاری می‌کنند و زمان زیادی را صرف کار و طرح‌های خلاقانه خود می‌کنند. بنابراین وظیفه-شناسی به افراد این امکان را می‌دهد که یک احساس درونی تعهد در برابر انجام تکلیف را در خود پرورش دهند و چنانچه فراوان دیده شده است، شگفت‌آورترین دستاورد-های بشری حاصل طرح‌های خلاقانه‌ای بوده که با پشتکار زیاد پیگیری شده‌اند و افراد خود را موظف و یا حتی وقف انجام آن کرده‌اند. چنانچه پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند (مانند آمابیل و دیگران، ۱۹۹۳؛ سیلویا و دیگران، ۲۰۰۲)، گشودگی با خلاقیت در ارتباط مستقیم قرار دارد و در این پژوهش نیز این رابطه مشاهده شد. گشودگی یعنی آنکه افراد تمایل زیادی به تجربه کردن و دریافت‌های جدید دارند. خلاقیت نیز از یک زاویه به معنای مشاهده و

- ۸- کوپر، کالین (۱۹۹۸)، تفاوت‌های فردی: نظریه و سنجش، مترجم: حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات اطلس.
- ۹- گلدن، ریچارد و همکاران (۱۳۸۱)، روانپزشکی آکسفورد، مترجم: نصرت اله پورافکاری، تهران: انتشارات گلبن.
- ۱۰- گنجی، حمزه (۱۳۸۰)، روانشناسی عمومی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۱- مرکز توسعه کارافزینی، ۱۳۸۶.

لاتین:

- 1- Amabil, T.M, Philips, E.D & Collins, M.A. (1993). Creativity by contract: Social influences on the creativity of professional fine artists. Paper presented at the meeting of professional fine artists. *Paper presente at the meeting of the American Psychological Association, Toronto.*
- 2- Barron, F.X & Harrington, D.M. (1981). *Chase, chance, and creativity.* New York: Columbia University Press.
- 3- Batey, M & Furnham, A. (2006). Creativity, intelligence, and personality: A critical review of the scattered literature. *Genetical review of the scattered literature. Genetic, social, and General Psychology Monographs*, 132,355-429.
- 4- Costa, P.T.J & McCrae, R.R. (1992). *NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-factor Inventory (NEO-FFI): Professional manual.* Odessa: Psychological Assessment Resources.
- 5- Feist, G.J, (1998). A meta-analysis of personality in scientific and artistic creativity. *Personality and social Psychology Review*, 2,290-309.
- 6- Gardner, H. & Hatch, H. (1989). Multiple Intelligence go to schools: Educational Implications of Theory of multiple Intelligence. *Educational Research*, 18(8), 4-9.
- 7- Gibson, C. Folley, B.S & Park, S. (2009). Enhanced divergent thinking and creativity in musicians: A behavioral and near-infrared spectroscopy study. *Brain and Cognition*, 69, 162-169.
- 8- Kelly, K.E. (2006). Relationship between the fivefactor model of personality and the scale of cre-

بودن به این افراد اجازه می‌دهد در صورت شکل‌گیری یک طرح خلاقانه با ایجاد یک حس درونی تعهد نسبت به آن و با محدود کردن سایر جنبه‌ها برای تحقق طرح خود اقدام کنند. از دیدگاه مدیران، صفت شخصیتی گشودگی به تجربه بیشترین تأثیر و روان‌رنجوری کمترین رابطه را با خلاقیت دارد. در مجموع می‌توان گفت که رابطه صفات شخصیت با خلاقیت و تفاوت سطوح خلاقیت و عوامل به ویژگی‌های تکلیف، مرحله انجام تکلیف و نوع فعالیت مرتبط با حل مسئله و خلاقیت مستلزم آن در مدیران مالی مرتبط است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اتکینسون، ریتال و همکاران (۱۳۸۳)، زمینه روانشناسی، مترجم: حسن رفیعی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ارجمند.
- ۲- اس. کارور، چارز و مایکل، اف شی یر (۱۳۸۷)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: احمد رضوانی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- آمایل، ترز (۱۳۷۷)، شکوفایی خلاقیت، مترجم: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات دنیای نو.
- ۴- پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۳)، «رابطه خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران»، فصلنامه نوآوری‌های آموزش، شماره ۷.
- ۵- دیونو، ادوارد (۱۳۸۶)، خلاقیت کارآمد، مترجم: ملک دخت قاسمی، تهران: نشر اختران.
- ۶- سام خانیان، اسحاق و همکاران (۱۳۸۷)، مباحث اساسی در روان‌شناسی تربیتی، تهران: انتشارات ساد.
- ۷- سام خانیان، محمد ربیع (۱۳۸۲)، خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی، تهران: انتشارات اسپند.

- ative attributes and behavior: A validation Study. *Individual Differences Research*, 4(5), 299-305.
- 9- Laidra, k. Pullmann, H & Allik, J.R. (2007). Personality and intelligence as predictors of academic achievement: A cross-sectional study from elementary to secondary school. *Personality and Individual Differences*, 42, 441-451.
- 10- Runco, M.A. (1986). Divergent thinking and creative performance in gifted and non-gifted children. *Educational and Psychological Measurement*, 46, 375-384.
- 11- Silvia, P.J, Nusbaum, E. C, berg, C. Martin, C. & O'Connor, A. (2009). Openness to experience, plasticity, and creativity: Exploring lower-order, high-order, and interactive effects. *Journal of Research in Personality*, 43(6), 1987-1990.
- 12- Torrance, E.p. (1988). *The nature of creativity as manifest in 15 testing*. In R. J. Sternberg (Ed), *The nature of creativity* (pp.43-75). New York: Cambridge University Press.
- 13- Jones, p.T (1972). *Creative learning in prospective*. University of London Press LTD.
- 14- Miller, J . D, Reynold, S.K & pilkonis, P.A. (2004). *The validity of the five-factor model prototypes for personality disorders in tow clinical samples*.
- 15- Murphy, Kelvin R. & Davidshofer, O. (1991). *Psychological Testing: Principl and application. Second edition*.
- 16- Sternberg, R. & Lubart, T. (1999). *The Concept of creativity: prospects and Paradigms*. In R. Sternberg (Ed), *Hand book of creativity*. Cambridge University press.